

بررسی تطبیقی آیه شریفه نفی سبیل در تفاسیر فریقین

سید یوسف علوی وثوقی*

چکیده

بیشتر فقیهان و مفسران امامیه در مورد دلالت آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» بر این باورند که آیه شریفه، ناظر بر مقام تشریح است که نتیجه آن، نفی هر گونه احکامی است که به هر شکلی می‌تواند بستر تسلط کفار بر مسلمانان را فراهم آورد و گروه اندکی از مفسران اهل سنت پیرو مبنای دلالت انشائی آیه شریفه نفی سبیل هستند اما دیدگاه‌های دیگری نیز وجود دارد که برخی از آنها دلالت آیه شریفه را به قرینه بخش پیشین آن: «فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِالْحَقِّ» تنها ناظر بر اخبار از نفی غلبه کافران بر مسلمانان در زمینه احتجاج و برهان می‌دانند، از نظر مفسران فریقین امکان جمع میان دو مبنای دلالت انشائی و اخباری آیه شریفه نفی سبیل مبتنی بر آن است که مفهوم نفی غلبه به معنای عام و «سبیل» به عنوان نکره در سیاق نفی که افاده عموم دارد، در نظر گرفته شود.

واژگان کلیدی

آیه ۱۴۱ نساء، نفی سبیل، غلبه کافران، تفسیر تطبیقی.

طرح مسئله

در مورد آیه شریفه: «فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء / ۱۴۱) براساس دو مبنای متفاوت، دو دیدگاه عمده وجود دارد که در نتیجه آن برخی مفسران و فقیهان آیه نفی سبیل را براساس حمل خبر بر انشاء، ناظر بر مقام تشریح و صدور حکم انشایی و برخی دیگر، آن را براساس تأویل در ظاهر و به قرینه آیه پیش از آن: «فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (نساء / ۱۴۱) تنها ناظر بر اخبار از نفی غلبه کافران بر مسلمانان در زمینه احتجاج و برهان می‌دانند. به نظر می‌رسد عامل اصلی انتخاب دو دیدگاه فوق، مقتضای ظاهر آیه شریفه است که به دلیل دارا بودن ساختار اخباری، بیانگر اخبار از واقعیت است و در این صورت انتظار می‌رود از یک سو از مطابقت قطعی با واقعیت برخوردار باشد و در ظرف واقعیت‌ها، کفار هیچ‌گاه و در هیچ زمینه‌ای غلبه بر مؤمنین نداشته باشند، درحالی‌که از سوی دیگر در برابر واقعیت‌های عینی متفاوت و متضاد قرار می‌گیرد که نتیجه آن، وجود تضاد و ناهمخوانی ظاهر آیه شریفه با واقعیت است و مفاد اخباری آیه شریفه با واقعیت تطابق نمی‌یابد، از این رو مفسران در جستجوی برون‌رفت از مشکل عدم تطابق در ظاهر اخباری آیه شریفه، دو مبنای فوق را ارائه نموده‌اند، به هر حال پایه دو رویکرد فوق (مقام تشریح و مقام نفی احتجاج و برهان) بر این اساس استوار است که برابر یک مبنای ساختار خبری آیه شریفه علی‌رغم ظاهر آن حمل بر انشاء می‌شود و جمله خبری را برخلاف ظاهرش ناظر به مقام انشاء تلقی می‌نمایند و در نتیجه اشکال ناهمخوانی و تضاد به شکل ریشه‌ای منتفی می‌گردد ولی برابر مبنای دیگر به همان ظاهر ساختار خبری آیه شریفه تمسک می‌شود و مبنای استفاده نهایی قرار می‌گیرد و تغییر در ظاهر آن را بر نتابیده ولی نظرهای موجهی جهت حل اشکال تضاد، حال یا با قطع نظر از قرینه آیه پیشین و یا مرتبط با آن بنابر نظرهای مختلفی که وجود دارد ارائه می‌نمایند، به هر حال تلاش صادقانه و عالمانه مفسران امامیه و اهل سنت برای درک و فهم صحیح، سازگاری و همخوانی آیه شریفه با معیارهای اعتقادی و فقهی و برون‌رفت از تعارض، آنان را به کاربست راهبردهای گوناگون با رعایت منطق علمی رهنمون ساخته است که در این مقاله براساس مبنای پیش گفته، مطالعه تطبیقی آراء و دیدگاه‌های مفسران فریقین در موضوع آیه شریفه نفی سبیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مبنای اخبار در آیه شریفه نفی سبیل و دیدگاه‌های مبتنی بر آن

گرچه بدون تردید از مبنای مهم و مقبول در میان دانشمندان مسلمان که مورد توجه مفسران نیز قرار گرفته است، حجیت و اعتبار ظواهر قرآن و تمسک به آن است که براساس آن، نظارت آیه شریفه نفی سبیل منحصر بر مقام اخبار خواهد بود. اتخاذ این مبنا به دلیل ساختار و سیاق اخباری است که در آیه شریفه: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ...» وجود دارد و برابر استناد به ظاهر اخباری آن، کفار هرگز نمی‌توانند در شئون و امور

بررسی تطبیقی آیه شریفه نفی سبیل در تفاسیر فریقین □ ۱۵۳

دنبوی، بر مسلمانان غلبه و تسلط داشته باشند ولی دانشمندان توجه داشته‌اند که انتخاب این مبنی و تمسک به ظاهر آیه شریفه با مشکل ناسازگاری با واقعیت همراه است (شرف‌الدین، ۱۴۲۰: ۲ / ۱۹۸) زیرا ملاحظه می‌شود برخلاف آنچه که در آیه شریفه، اخبار شده غالباً کفار بر مسلمانان غلبه و سلطه داشته‌اند، بنابر این مراد از نفی سبیل نمی‌تواند نفی غلبه مادی، محسوس و تکوینی در خارج باشد؛ زیرا از یک‌سو مخالف واقعیت و طبیعت تراحم‌برانگیز دنیا است که ملاحظه می‌شود بسا کفار غلبه پیدا می‌کنند و از سوی دیگر مخالف با سنت و اراده الهی است چنان‌که از قرآن استفاده می‌شود: «وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ...» (نساء / ۱۴۱) و همچنین در قضیه شکست مسلمانان در غزوه أحد می‌فرماید: «إِنْ يَمَسُّكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدُلُّهَا بَيْنَ النَّاسِ» (آل عمران / ۱۴۰) و از سوی دیگر موجب کذب خواهد بود (طوسی، ۱۴۰۷: ۵ / ۱۴۶) از این رو به ناچار غلبه تکوینی را باید از عموم نفی سبیل خارج نمود، لذا تمامی مفسران اعم از امامیه و اهل سنت متفق القول هستند که مفاد آیه شریفه نفی سبیل هرگز به مفهوم نفی جعل تکوینی (و یا دست‌کم به صورت مطلق و یا عام) نیست که مستلزم تسلط و غلبه ظاهری و قطعی دنبوی مسلمانان بر کفار باشد، گرچه برخی از مفسران احتمال آن را پذیرفته و مشروط به پابندی و عمل به تمام احکام دین نموده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵ / ۱۹۷؛ ابن عربی، ۱ / ۵۱۰؛ اندلسی، ۱۴۲۰: ۴ / ۱۰۵)

بنابراین اصرار بر برداشت و استظهار از ظاهر اخباری آیه شریفه به دلیل وجود تضاد و ناهمخوانی میان ظاهر آن و واقعیت عینی موجود در خارج، مفسران را بر آن داشته است تا به دنبال ارائه راه‌حل به منظور برون‌رفت از تضاد و ناسازگاری باشند و برابر انتخاب مبنای تمسک به ظاهر اخباری آیه شریفه و جزمیت بر آن، حل تعارض آن است که دلالت نفی سبیل منحصر شود بر موضوع: احتجاج و برهان نه چیز دیگر و در این صورت مدلول آیه شریفه نفی سبیل هیچ‌گونه بیان و قضاوتی نسبت به تشریح و جعل احکام الهی نخواهد داشت که در بخش بعدی، آراء مفسران فریقین پیرامون دیدگاه فوق مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

دلالت اخباری آیه شریفه نفی سبیل و آراء مفسران امامیه

برخی از مفسران شیعه، ظاهر آیه شریفه نفی سبیل را دال بر ماهیت اخباری آن از واقعیت دانسته و دیدگاه آنان بر مبنای تمسک به ظاهر اخباری آیه شریفه و جزمیت بر آن استوار گردیده است و از سوی دیگر به دلیل وجود تعارض و ناسازگاری ناشی از تمسک به ظاهر ساختار خبری آیه شریفه، مفاد آن را منحصر به حوزه احتجاج، برهان و استدلال نموده‌اند (بحرانی، ۱۴۱۶: ۲ / ۱۹۱؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۱ / ۵۶۵؛ کاشانی، ۱۴۱۰: ۱ / ۲۶۲؛ شبر، ۱۴۰۷: ۲ / ۱۱۷) شیخ طوسی پس از مستند نمودن این دیدگاه به امام علی علیه السلام افرادی همانند سدی و ابومالک و ابن عباس را از پیروان این دیدگاه می‌شمارد. از نظر وی ممکن است مسلمانان در دنیا مغلوب و مقهور کفار واقع شوند ولی در حجت و برهان همواره برتری دارند و سپس به منظور تکمیل

دیدگاه فوق، به بیان یک دلیل کلامی به نقل از زجاج و جبایی می‌پردازد که: غلبه و استیلاء کفار بر مسلمانان را هرگز نمی‌توان به خدا نسبت داد؛ زیرا فعل قبیح است و شأن خدا از ارتکاب آن منزه است. (طوسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۳۶۴؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۳: ۱۱۲) مقدس اردبیلی برخی از توجیه‌های فوق را از مجمع البیان نقل نموده و برای رفع تعارض از ماهیت اخباری آیه شریفه، سبیل را برابر با غلبه می‌شمارد،^۱ به گفته وی دیدگاه بیشتر مفسران بر مطلق نفی غلبه کفار در مطلق احتجاج‌های دنیوی است ولی از دیدگاه برخی دیگر تنها ناظر بر نفی غلبه در احتجاج‌های اخروی است نه دنیوی. (کاظمی، ۱۳۶۵: ۳ / ۵۳)

برخی دیگر از مفسران امامیه پس از تصریح به اخباری بودن دلالت آیه شریفه، از تفاوت ماهوی که میان روح و جسم مؤمنان وجود دارد در تفسیر آیه شریفه سود جست‌اند و غلبه و استیلاء کفار بر مسلمانان را تنها منحصر بر جسم و اموال آنان دانسته‌اند: «... مقصود این است که در آخرت، یا در حجت و دلیل، کفار تسلطی بر مؤمنان ندارند، یا اینکه مقصود غلبه در دنیا است و اینکه کفار بر مؤمنان در دنیا غلبه ندارند از جهت مؤمن بودن آنها است؛ چون کشته شدن مؤمنان به دست کافران و اسیر شدن و غارت شدن اموال آنان همه اینها نسبت به بدن‌هایشان است که به منزله زندان برای آنها است نه نسبت به لطیفه ایمانشان...». (خانی و ریاضی، ۱۳۷۲: ۴ / ۲۳۳)

علامه طباطبایی با استناد به ظاهر سیاق آیه شریفه، مفاد آن را منحصر به حوزه احتجاج و استدلال نموده است و اعتقاد دارد که این حکم تا ابد به نفع مؤمنان و علیه کافران برقرار خواهد بود و هرگز به عکس نمی‌شود و به حکم این آیه در همه دوره‌ها در نهایت فتح و پیروزی از آن مؤمنان و علیه کافران خواهد بود. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵ / ۱۸۹) علامه طباطبایی در ادامه بررسی آیه شریفه نفی سبیل، دیدگاه فوق را به نقل از تفسیر *درالمشور* و ابن جریر به حضرت علی علیه السلام منسوب می‌سازد و در راستای تأکید و اثبات دیدگاه نخست (احتجاج و برهان) به تعدادی از روایات استناد می‌نماید:

در کتاب *عیون* به سند خود از ابی الصلت هروی از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده که در تفسیر کلام خدای جل و علا: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» فرمود: منظور این است که خدای تعالی هرگز کافر را بر مسلمان بر سر بحثی که دارند، غالب نمی‌کند و مسلمان را شکست‌خورده حجت او نمی‌سازد، پس این شکست که نفی شده شامل انواع مظلومیت‌ها نمی‌شود و آیه شریفه نمی‌خواهد بفرماید: مسلمانان زیر دست کفار نمی‌شوند و چگونه می‌تواند شامل باشد با اینکه ما خود می‌بینیم که نه تنها مؤمنان بلکه حتی انبیاء علیهم السلام زیر دست کفار واقع می‌شوند آن هم به حدی که به دست کفار کشته می‌شوند،

۱. ولو حملناه على الغلبة لكان صحيحا لأن غلبة الكفار على المؤمنين ليس من الله تعالى ...

۱۵۵ □ بررسی تطبیقی آیه شریفه نفی سبیل در تفاسیر فریقین

پس می‌فهمیم که منظور از نداشتن سبیل معنایی است که با کشته شدن انبیا به‌دست کفار نیز می‌سازد و آن عبارت است از شکست نخوردن در احتجاج. (همان: ۱۹۷)

در تفسیر *مواهب الرحمن* دلالت اخباری در ضمن دلالت فراگیر و عام آیه شریفه پذیرفته شده است.

(موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۱۰ / ۴۲)

برخی از مفسران امامیه پس از نقل اقوال مفسران اهل سنت، دیدگاه خود را با استناد بر مبنای فوق و بیان وجود پیوند و ارتباط میان آیه شریفه پیش از آن، از ساختار و سیاق اخباری حاکم بر هر دو آیه شریفه، در تفسیر آیه سود جسته و چنین بیان داشته‌اند:

خدا برای کافران در آخرت، غلبه قرار نداده است؛ زیرا به‌دنبال جمله: «فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» قرار گرفته است. بدین ترتیب منظور خدا این است که اگر اهل کفر را بر اهل ایمان از راه قتل و غارت و اسیر کردن، غلبه‌ای باشد، اما در روز قیامت، هیچ‌گونه غلبه‌ای بر ایشان ندارند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۱ / ۵۱۳ - ۲۴۸؛ کوفی، بی‌تا: ۱۷۸؛ مترجمان، ۱۳۶۰: ۶ / ۱۰۵)

به‌طور کلی باید گفت پذیرش مبنای اخباری در تفسیر آیه نفی سبیل، نمی‌تواند فارغ از تأثیر آیه پیش از آن شکل بگیرد و به‌همین دلیل مفسران با الهام از وحدت سیاق حاکم بر هر دو آیه به‌وجود پیوند میان این آیه و آیه پیش از آن تصریح نموده‌اند (قرشی، ۱۳۷۷: ۲ / ۴۷۳؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۱ / ۵۷۴؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۳ / ۵۶۹؛ کرمی حویزی، ۱۴۰۲: ۲ / ۳۰۹؛ بلخی، ۱۴۲۳: ۱ / ۴۱۶؛ رازی، ۱۴۰۸: ۶ / ۱۵۸) طبرسی در تفسیر خود تنها به نقل آراء دیگران در راستای مبنای اخباری پرداخته است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳ / ۱۹۶) برخی مفسران پیوند میان دو آیه شریفه را مشروط به‌صورتی دانسته‌اند که نفی سبیل تنها ناظر به قیامت باشد (کاظمی، ۱۳۶۵: ۳ / ۵۳) برخی دیگر به نقل از ابن‌عباس دلالت اخباری آیه شریفه نفی سبیل را ناظر بر نفی غلبه و پیروزی دنیوی یهودیان بر مؤمنان دانسته‌اند (دخیل، ۱۴۲۲: ۱۳۲؛ موسوی سبزواری، همان؛ حائری تهرانی، ۱۳۷۷: ۳ / ۲۰) کشف دلالت آیه شریفه نفی سبیل با استفاده از آیه پیشین، مورد توجه اکثر مفسران قرار داشته است.

دلالت اخباری آیه نفی سبیل و آراء مفسران اهل سنت

دیدگاه اکثریت مفسران اهل سنت در تفسیر آیه نفی سبیل بر مبنای تمسک به ظاهر اخباری و جزمیت بر آن تمرکز دارد و پذیرش این مبنا، از نظر آنان نمی‌تواند فارغ از تأثیر آیه پیش از آن باشد (بغدادی، ۱۴۱۵: ۱ / ۴۳۹؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۵ / ۳۱۹) به هر حال تحلیل‌های آنان در تبیین دیدگاه فوق دارای تفاوت‌هایی است که می‌توان آراء آنان را به پنج دسته تقسیم نمود:

۱. برخی مدلول آیه شریفه را اخبار خدای متعال به نفی غلبه کفار تنها در عرصه قیامت و در موضوع احتجاج

و استدلال منحصر کرده‌اند (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲ / ۱۰؛ اسفراینی، ۱۳۷۵: ۲ / ۵۴۳؛ نسفی، ۱۳۶۷: ۱ / ۱۹۳؛ طبری، ۱۴۱۲: ۵ / ۲۱۴؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۴ / ۱۰۹۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲ / ۲۳۵) ابن‌عطیه پس از تصریح به پیوند میان آیه نفی سبیل و آیه پیش از آن، مفهوم سبیل و حجت را با مفهوم غلبه برابر دانسته است، درحالی‌که به نظر می‌رسد حجت از مصادیق غلبه باشد (ابن‌عطیه، ۱۴۲۲: ۲ / ۱۲۷) در کتاب *التفسیر الحدیث* پس از پذیرش انحصار مدلول آیه شریفه به موضوع احتجاج در قیامت، دیدگاه مفسرانی را نقل می‌نماید که قائل هستند غلبه و استیلاء کفار در دنیا موقتی است، از این رو به‌عنوان امتحان الهی باید تلقی شود که در بطن خود بشارت پیروزی نهایی مؤمنان را در بر دارد (دروزه، ۱۳۸۳: ۸ / ۲۶۶) ابن‌کثیر و طنطاوی دیدگاه فوق را با استناد به روایات و بعضی مفسران نقل نموده‌اند (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۲ / ۳۸۶؛ طنطاوی، بی‌تا: ۳ / ۳۵۵) و در *مفاتیح الغیب* یکی از معانی محتمل را نفی احتجاج در قیامت دانسته است. (رازی، ۱۴۲۰: ۱۱ / ۲۴۸)

۲. برخی دیگر از مفسران اهل سنت مدلول آیه شریفه را اِخبار خدا به نفی غلبه کفار در احتجاج و استدلال در هر دو عرصه دنیا و قیامت دانسته‌اند، ابن‌عطیه این دیدگاه را رأی تمامی اهل تأویل می‌شمارد (اندلسی، ۱۴۲۰: ۴ / ۱۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳ / ۱۶۸) در *تفسیر نیل المرام*، تفصیل داده شده است بدین شرح که اگر مراد از نفی سبیل نفی غلبه و پیروزی باشد، در این صورت تحقق آن در قیامت خواهد بود و اگر مراد از نفی سبیل، نفی احتجاج باشد، ظرف تحقق آن در دنیا خواهد بود. (قنوجی، بی‌تا: ۲۱۸)

طبق بیان طنطاوی (طنطاوی، همان: ۳) برخی از مفسران با استناد به دلالت آیه پیشین: «فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (نساء / ۱۴۱) که بیانگر حاکمیت مطلق الهی است، نفی جعل تکوینی مشروط را به‌همراه دو احتمال فوق به مجموعه احتمال‌های مستفاد از آیه شریفه افزوده‌اند. (ملاحویش، ۱۳۸۲: ۵ / ۶۱۹؛ رازی، ۱۴۲۰: ۱۱ / ۲۴۸)

ابن‌عربی در *احکام القرآن* بعد از نقل آراء مفسران، برای حل تعارض، تنها سه احتمال بعدی را در تفسیر آیه شریفه قابل پذیرش می‌داند. (ابن‌عربی، بی‌تا: ۱ / ۵۱۰)

۳. آیه شریفه ناظر بر نفی جعل تکوینی کامل است؛ یعنی خدای متعال کفار را هر گز در دنیا مسلط بر نابودی کامل دولت مؤمنان قرار نداده است. (آل‌سعدی، ۱۴۰۸: ۲۲) چنان‌که ابن‌کثیر و طنطاوی این دیدگاه را به‌عنوان احتمال می‌پذیرند و در جهت تأیید آن به آیه شریفه: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (غافر / ۵۱) استدلال می‌نماید. (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۲ / ۳۸۶؛ طنطاوی، بی‌تا: ۳ / ۳۵۵) وهبه زحیلی رأی فوق را نسبت به آیه شریفه نفی سبیل تأیید می‌کند ولی نسبت به آیه شریفه پیش از آن: «فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» حکم الهی یاد شده را ورود مؤمنان به بهشت و ورود کفار به جهنم می‌داند. (زحیلی، ۱۴۱۸: ۵ / ۳۱۹)

۴. آیه شریفه ناظر بر نفی جعل تکوینی مشروط است؛ بدین بیان که خدا نفی سلطه و غلبه کفار را در

بررسی تطبیقی آیه شریفه نفی سبیل در تفاسیر فریقین □ ۱۵۷

شؤنات و امور دنیوی برابر آیه شریفه: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ» (شوری / ۳۰) مشروط بر عمل به دستورهای دین نموده است؛ یعنی هرگاه مسلمانان دعوت و توصیه به باطل و ارتکاب منکرات و ... نداشته باشند، کفار نمی‌توانند بر آنان غلبه و تسلط داشته باشند و ابن عربی این نظر را ارزشمند می‌شمارد و با استناد به روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را تأیید می‌نماید. (ابن عربی، بی‌تا: ۱ / ۵۱۰؛ اندلسی، ۱۴۲۰: ۴ / ۱۰۵؛ سمرقندی، بی‌تا: ۱ / ۳۵۰؛ مراغی، بی‌تا: ۵ / ۱۸) غالب مفسران به تعدادی از محورهای فوق و یا به تمامی آنها اشاره کرده‌اند (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱ / ۴۸۸؛ اندلسی و سمرقندی، همان؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۱ / ۶۰۸؛ بغدادی، ۱۴۱۵: ۱ / ۴۳۹)

۵. آیه شریفه ناظر بر نفی جعل تشریحی است؛ یعنی خدا کفار را در نظام تشریح و احکام، هرگز مسلط بر مؤمنان قرار نداده است. قرطبی این دیدگاه را به عنوان یکی از احتمال‌های قابل پذیرش نام می‌برد. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۵ / ۴۲۰)

برخی از مفسران دلالت آیه شریفه را بر هر دو موضوع احتجاج و تشریح مردود می‌دانند و به مناسبت متعدی شدن فعل: «لَنْ يَجْعَلَ» به واسطه علی، مفهوم نفی سبیل را منصوص و منحصر در نفی شرور دنیوی کفار و در نتیجه تنها آن را ناظر بر نفی جعل تکوینی مشروط دانسته‌اند که در صورت اخلاص مؤمنان و استقامت آنان، امکان برتری بر کفار وجود دارد. (ابن عاشور، بی‌تا: ۴ / ۲۸۷) مراغی در تفسیر خود به همین دیدگاه تصریح می‌نماید (مراغی، بی‌تا: ۵ / ۱۹۷ - ۱۸۶) برخی مفسران عامل ایمان را شرط تحقق وعده‌های نصر و غلبه بر کفار در دنیا دانسته‌اند و برای تأیید دیدگاه خود به آیات دیگر قرآن استناد کرده‌اند. (حجازی، ۱۴۱۳: ۱ / ۴۴۴)

دلالت انشایی آیه شریفه نفی سبیل و آراء مفسران امامیه

مهم‌ترین مبنای موجود در مسئله که مورد انتخاب مفسران و فقیهان پرشماری قرار گرفته است دلالت ساختار خبری آیه شریفه بر مقام انشاء و تشریح حکم الهی است که براساس این مبنا ارتباط آیه شریفه در برابر ادله‌ای که اثبات‌کننده‌ای احکام اولیه هستند از منظر دانش اصول الفقه ایفا نقش حاکمیت خواهد بود و برابر انتخاب این مبنی، مدلول آیه شریفه نفی سبیل هیچ‌گونه بیان و قضاوتی نسبت به واقعیت‌های عینی در خارج نخواهند داشت و صرفاً اثبات‌کننده احکام سلبی در برابر احکام واقعی اولی در موضوع ارتباط با کفار خواهند بود. بدین بیان که خدا هرگز در نظام تشریح احکام، هیچ‌گونه حکمی که بتواند بستر تسلط و غلبه کفار بر مسلمین را فراهم آورد جعل و انشاء نفرموده است. بسیاری از مفسران امامیه و برخی از مفسران اهل سنت پیرو این مبنی هستند برابر مبنای انشایی، اکثر مفسران و فقیهان امامیه مدلول آیه شریفه: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء / ۱۴۱) را مرتبط با حوزه تشریح احکام فقهی دانسته و بر این باورند که آیه شریفه در مقام نفی تشریح هرگونه حکمی است که موجب تسلط کفار بر مسلمانان گردد (راوندی، ۱۴۰۵: ۲ / ۵۷؛

طوسی، ۱۴۰۷: ۳ / ۱۸۸) و بر این اساس معاملاتی را که موجب سلطه کفار بر مسلمین گردد، باطل می‌داند (راوندی، ۱۴۰۵: ۲ / ۳۱۲؛ مازندرانی، ۱۳۶۹: ۲ / ۲۱۳؛ بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱ / ۱۸۸؛ مغنیه، بی‌تا: ۱۲۷؛ ابن شهر آشوب، بی‌تا: ۲ / ۲۲۱) و احکام فقهی متعددی را تحت عموم آیه شریفه داخل نموده‌اند (بلاغی، ۱۴۲۰: ۱ / ۱۵؛ جرجانی، ۱۴۰۴: ۲ / ۱۵۰) در برخی آثار امامیه دیدگاه فوق به تمام دانشمندان امامیه استناد داده شده است (مقدس اردبیلی، بی‌تا: ۴۴۰؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۲ / ۱۷۷) به هر حال باید گفت اکثر مفسران و فقیهان امامیه مبتنی بر مقام انشایی، قائل به دلالت تشریحی آیه شریفه هستند که براساس آن مجموعه‌ای از احکام فقهی را از آیه شریفه استفاده نموده‌اند، چنان‌که فاضل مقداد حدود نه حکم فقهی را استنباط نموده است (فاضل مقداد، ۱۴۱۹: ۲ / ۴۴) و امکان استفاده احکام فقهی از آیه شریفه را معلول وجود نکره در سیاق نفی دانسته‌اند (کاظمی، ۱۳۶۵: ۳ / ۵۳) صریح‌ترین بیان نسبت به دلالت آیه شریفه بر مقام تشریح، در تفسیر مواهب الرحمن آمده است و تصریح بر استنباط احکام فقهی در موارد گوناگون از آن نموده‌اند. (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۱۰ / ۴۲)

برخی فقیهان بزرگ امامیه دلالت آیه شریفه را منحصر بر تشریح حکم می‌دانند و تمامی نظرات دیگر مردود می‌شمارد، چنان‌که تخصیص دلالت آیه شریفه را بر احتمال نفی استیلاء کفار در آخرت و همچنین احتمال اراده نفی استیلاء قهری و دنیوی را به دلیل عمومیت غیرقابل تخصیص آن رد می‌نماید و نیز تفسیر آیه شریفه را به مسئله احتجاج در قیامت از بطون آن و یا از افراد ظهور عام می‌شمارد. (لاری، ۱۴۱۸: ۲ / ۱۶۷)

اکثر قریب به اتفاق فقیهان امامیه گرچه تصریح بر تفصیل مسئله و نتایج متفاوت دو مبنای فوق نموده‌اند اما استنباط‌های فقهی آنان نشان می‌دهد که مبنای انشایی آیه شریفه، پیش‌فرض آنان در دلالت تشریحی و به‌عنوان اصل مفروض و قطعی محسوب می‌گردد (حلی، ۱۴۱۴: ۱۳ / ۱۴۵؛ کرکی، ۱۴۱۴: ۴ / ۶۷؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۷ / ۴۵۲؛ اردبیلی، ۱۴۰۳: ۹ / ۱۴۳؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۸ / ۴۲۷)

دلالت انشایی آیه شریفه نفی سبیل و آراء مفسران اهل سنت

از مفسران اهل سنت گروهی پیرو مبنای دلالت انشایی آیه شریفه نفی سبیل هستند و از اینکه استفاده دلالت انشایی را مستند به ظاهر آیه شریفه نموده‌اند، معلوم می‌شود ظاهر خبری را به مفهوم انشاء دانسته‌اند گرچه نسبت آن را با ادله احکام اولیه بیان نکرده‌اند ولی با استناد به ظاهر، مجموعه‌ای از احکام فقهی را استفاده کرده‌اند، همانند حکم به انفصال زوجیت در صورت غیر مسلمان بودن زوج و اثبات احکام فقهی در موارد دیگر (جصاص، ۱۴۰۵: ۳ / ۲۷۹) منتسب ساختن دلالت انشایی به قیل بیانگر آن است گروه اندکی از مفسران اهل سنت پیرو مبنای دلالت انشایی آیه شریفه نفی سبیل هستند (اندلسی، ۱۴۲۰: ۴ / ۱۰۶) گروهی دیگر به کلی منکر دلالت انشایی آیه شریفه می‌باشند (ابن عاشور، بی‌تا: ۴ / ۲۸۷) چنان‌که در کتاب التفسیر الحدیث دیدگاه قائلین به مبنای انشایی را با ذکر برخی موارد آن نقل و تحسین نموده ولی استنباط آن را از

بررسی تطبیقی آیه شریفه نفی سبیل در تفاسیر فریقین □ ۱۵۹

ظاهر آیه شریفه نفی سبیل، همراه با تکلف می‌داند «وکل هذا سدید وجیه فی ذاته و إن کنا نری فی استنباطه من الآیة تکلفا» و همچنین از اینکه دلالت انشایی را نسبت به بعض داده است، نشان‌دهنده اقلیت طرف‌داران مبنای دلالت انشایی آیه شریفه نفی سبیل است «لقد استنبط بعضهم من الآیة أيضا عدم جواز ولاية الکافر و حکمه علی المسلمین...» (دروزه، ۱۳۸۳: ۸ / ۲۶۶) از کلام برخی مفسران اهل سنت به دست می‌آید که دلالت انشایی آیه شریفه را تنها در موضوع استمرار ملکیت کافر نسبت به برده مسلمان جاری می‌دانند: «و قال ابن القاسم عن مالک، و هو قول أبي حنيفة: إن معنی لَنْ يَجْعَلَ اللهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا فِي دَوَامِ الْمَلِكِ» (ابن عربی، بی تا: ۱ / ۵۱۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲ / ۱۰۴؛ ابن عجبیه، ۱۴۱۹: ۱ / ۵۷۸)

به جز مفسران یادشده از اهل سنت، اکثر فقهای آنان نیز پیرو مبنای دلالت انشایی آیه شریفه نفی سبیل می‌باشند، چنان که ابن عربی از مالک و ابوحنیفه گزارش می‌کند. (ابن عربی، بی تا: ۱ / ۵۱۰)

امکان جمع میان دو مبنای دلالت انشایی و اخباری آیه نفی سبیل و آراء فریقین

برخی از مفسران امامیه و اهل سنت قائل به امکان جمع میان هر دو دیدگاه فوق هستند؛ بدین بیان که «نفی سبیل» را دارای مفهوم «نفی غلبه و سلطه عام» می‌دانند که عمومیت آن می‌تواند شامل نفی سلطه در حوزه تشریح احکام و نیز نفی غلبه در حوزه احتجاج، اقامه برهان و استدلال هم باشد (سبزواری نجفی، ۱۴۱۹: ۱۰۶؛ طیب، ۱۳۷۸: ۴ / ۲۴۶) بدیهی است لازمه این دیدگاه آن است که کاربرد نفی سبیل در مفهوم نفی غلبه و سلطه باید به عنوان مشترک معنوی باشد، چنان که برخی مفسران، به دلیل آنکه نکره در سیاق نفی افاده عموم دارد، ظاهر آیه را شامل مطلق سبیل می‌دانند اما نباید از این نکته غفلت شود که تمامی مفسران اعم از شیعه و سنی (به جز گروهی اندک) بر این مسئله متفق القول هستند که مفاد نفی جعل و نفی سبیل هرگز جعل تکوینی نیست و مفهوم عام نفی غلبه و سلطه شامل آن نمی‌شود؛ زیرا از یک سو مخالف با واقعیت است؛ چراکه بسا کفار غلبه پیدا می‌کنند و از سوی دیگر مخالف با نفس آیه است که می‌فرماید: «وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ» بلکه مراد نفی جعل تشریحی و نیز نفی غلبه در حوزه احتجاج، اقامه برهان و استدلال است که هیچ‌گونه حقی خدا برای کفار قائل نشده است. (طیب، ۱۳۷۸: ۴ / ۲۴۶؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۳ / ۴۹؛ صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ۱۰۱)

مقدس اردبیلی دلالت آیه شریفه نفی سبیل را بر هر دو مبنای انشایی و اخباری و جمع میان احتمالات امکان‌پذیر می‌داند در صورتی که سبیل دارای مفهوم عموم باشد به اضافه آنکه نکره در سیاق نفی هم مفید عموم است (مقدس اردبیلی، بی تا: ۴۴۰) دیگران نیز به این دیدگاه تصریح نموده‌اند (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۲ / ۶۱۵؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۱۰: ۲ / ۲۱۲) مراغی در *العناوين الفقهيه* هرگونه احتمال ناسازگار با نفی تشریحی را مردود می‌داند، به دلیل آنکه آیه شریفه از عمومیت غیر قابل تخصیص برخوردار

است، بنابراین هرگونه حکمی که نتیجه‌اش منجر به تسلط و اِشراف کافر بر مسلمان گردد آن را غیر مجعول از سوی شریعت و در نتیجه باطل می‌شمارد و در نهایت، مبنای اِخباری و مدلولش را که نفی غلبه در حجت و برهان است، مشمول عمومیت فراگیر آیه شریفه می‌داند. (مراغی حسینی، بی‌تا: ۲ / ۳۵۷)

کاشف الغطاء عمومیت فراگیر آیه شریفه را به‌عنوان یکی از احتمال‌های مقبول می‌پذیرد و غلبه تکوینی کفار را معلول حاکمیت مصالح و امتحان الهی می‌شمارد. (کاشف الغطاء، بی‌تا: ۱۲)

صاحب جواهر گرچه ظاهر آیه شریفه را اختصاصاً در راستای نفی حکم تشریحی می‌داند اما برخی احتمال‌ها و وجوه مطرح در مبنای اِخباری از دیدگاه ایشان نیز می‌تواند به‌عنوان دلیل بر عدم مشروعیت تسلط مالکانه کفار بر مسلمانان مورد استناد و استدلال قرار گیرد؛ زیرا تحت سلطه قرار گرفتن مسلمان از بارزترین مصادیق اثبات حجت از سوی کفار علیه مسلمین است و در نتیجه براساس آیه شریفه منتفی می‌گردد. (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۲ / ۳۳۷) برخی فقیهان امامیه ظاهر اِخباری آیه شریفه را دارای دلالت جامع بر نفی تمامی ابعاد سلطه کفار بر مسلمانان می‌دانند چه در عرصه حجت و برهان در دنیا و آخرت و چه در عرصه احکام فقهی و استدلال آنان بر وجود نکره «سییلا» در سیاق نفی و دلالت آن بر عموم تمرکز دارد که براساس آن کلیه اشکال تسلط و اِشراف کفار باطل و مردود است و این دیدگاه را به اکثر فقیهان امامیه نسبت داده است. (کاظمی، ۱۳۶۵: ۳ / ۵۳) صاحب جواهر در تأیید دیدگاه فوق در برابر احتمال‌های دیگر، مفاد آیه را هم‌سان یک دلیل عقلی غیرقابل تخصیص می‌شمارد. (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۲ / ۳۴۲) بجنوردی نیز آیه شریفه را دارای دلالت جامع بر نفی تمامی ابعاد سلطه کفار بر مسلمانان می‌داند و احتمال‌های دیگر به‌عنوان برخی از مصادیق مطرح در متفاهم عرفی به‌شمار می‌آیند که منافاتی با عمومیت و جامعیت آیه شریفه ندارند (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱ / ۱۸۹) در تأیید دیدگاه فوق، سبیل را به‌معنای مطلق طریق دانسته و آن را در هر دو عرصه تکوین و تشریح دال بر نفی تمامی ابعاد سلطه کفار بر مسلمانان می‌دانند. (خمینی، ۱۴۲۱: ۲ / ۲۲۲)

در تفسیر *موهب الرحمن* نیز امکان جمع مورد تأکید قرار گرفته است (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۱۰ / ۴۲) و از نظر ایشان غلبه ظاهری کفار بر مؤمنان یک تهدید موقت به‌شمار می‌رود؛ زیرا فرجام دنیا منتهی به حاکمیت مؤمنان خواهد شد، به دلالت آیه شریفه: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران / ۱۳۹) (موسوی سبزواری، همان)

علامه طباطبایی پس از بیان نظر خویش احتمال جمع را نیز امکان‌پذیر می‌شمارد، بدین توضیح که مفهوم «نفی غلبه» می‌تواند به‌معنای عام باشد اما به شکل مشروط؛ یعنی «احتمال دارد که «نفی سبیل» اعم از تسلط در دنیا است؛ یعنی منظور این باشد که کفار نه در دنیا مسلط بر مؤمنین می‌شوند و نه در آخرت و مؤمنین به اذن خدا دائماً غالب هستند، البته مادام که ملتزم به لوازم ایمان خود باشند، هم‌چنان که در جای دیگر این وعده را به‌صراحت بیان فرموده است: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»

۱۶۱ □ بررسی تطبیقی آیه شریفه نفی سبیل در تفاسیر فریقین

(آل عمران / ۱۳) (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵ / ۱۹۷) علامه سپس اضافه می‌کنند که با الهام از وحدت سیاق حاکم بر هر دو آیه شریفه و وجود پیوند میان آنها از ظاهر سیاق برمی‌آید که مراد از نفی سبیل، در آخرت است و اگر از سیاق صرف نظر کنیم و خود جمله را معیار قرار دهیم، شامل حجت در دنیا و آخرت هر دو می‌شود. (همان)

تنها در بیان گروهی اندک از مفسران اهل سنت به امکان جمع میان مقام تشریح و اخبار تصریح شده است (ابن عجبیه، ۱۴۱۹: ۱ / ۵۷۸) آلوسی جمع میان مقام انشایی و اخباری در آیه شریفه نفی سبیل را غیرممکن می‌داند. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳ / ۱۶۸) بررسی جامع زحیلی نسبت به آثار هر دو مینا بیانگر امکان جمع است. (زحیلی، ۱۴۱۸: ۵ / ۳۲۵ - ۳۱۹)

نتیجه

ظاهر آیه شریفه: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء / ۱۴۱) دال بر ماهیت اخباری آن از واقعیت است ولی به دلیل وجود تعارض و ناسازگاری ناشی از تمسک به ظاهر ساختار خبری، گروهی از مفسران فریقین، مفاد آن را منحصر به حوزه احتجاج، برهان در دنیا و آخرت نموده‌اند.

مهم‌ترین مبنای موجود در مسئله که مورد انتخاب مفسران و فقیهان پرشماری قرار گرفته است دلالت ساختار خبری آیه شریفه بر مقام انشاء و تشریح حکم الهی است و برابر انتخاب این مبنای مدلول آیه شریفه نفی سبیل اثبات کننده احکام سلبی در برابر احکام واقعی اولی در موضوع ارتباط با کفار خواهند بود، بسیاری از مفسران امامیه و برخی از مفسران اهل سنت پیرو این مبنای هستند، برابر مبنای انشایی، اکثر مفسران و فقیهان امامیه مدلول آیه شریفه را مرتبط با حوزه تشریح احکام فقهی دانسته و بر این باوراند که آیه شریفه در مقام نفی تشریح هرگونه حکمی است که موجب تسلط کفار بر مسلمانان گردد، گروه اندکی از مفسران اهل سنت پیرو مبنای دلالت انشایی آیه شریفه نفی سبیل هستند، از نظر مفسران فریقین امکان جمع میان دو مبنای دلالت انشایی و اخباری آیه شریفه نفی سبیل مبتنی بر آن است که مفهوم نفی غلبه به معنای عام و «سبیلا» به عنوان نکره در سیاق نفی که افاده عموم دارد، در نظر گرفته شود.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- آل سعدي، عبدالرحمن بن ناصر، ۱۴۰۸ ق، تيسير الكريم الرحمن، بيروت، مكتبة النهضة العربية، ج ۲.

- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، بيروت، دارالکتب العلمیه.

- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۹ ق، تفسیر القرآن العظیم، ریاض، مكتبة نزار مصطفى الباز، ج ۳.

- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن، ۱۴۲۲ ق، زاد المسیر فی علم التفسیر، بيروت، دار الکتب العربی.

- ۱۶۲ □ فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، س هشتم، پاییز ۹۶، ش ۳۱
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۶۹، *متشابه القرآن و مختلفه*، قم، دار البیدار.
- _____، ۱۴۱۰ ق، *متشابه القرآن و مختلفه*، با مقدمه علامه شهرستانی، قم، بیدار.
- ابن عاشور، محمد طاهر، بی تا، *التحریر و التنویر*، بی جا.
- ابن عجیبه، احمد بن محمد، ۱۴۱۹ ق، *البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید*، قاهره، حسن عباس زکی.
- ابن عربی، محمد بن عبدالله بن ابوبکر، بی تا، *احکام القرآن*، دار الجیل.
- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲ ق، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹ ق، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- اردبیلی، احمد بن محمد، ۱۴۰۳ ق، *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- اسفراینی، ابوالمظفر شاهفور بن طاهر، ۱۳۷۵، *تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم*، تهران، علمی و فرهنگی.
- امام خمینی، سید روح الله، ۱۴۲۱ ق، *کتاب البیع*، ۵ ج، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- اندلسی، ابوحیان، ۱۴۲۰ ق، *البحر المحیط فی التفسیر*، بیروت، دار الفکر.
- بجنوردی، سید حسن، ۱۴۱۹ ق، *القواعد الفقهیه*، قم، الهادی.
- بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد، ۱۴۰۵ ق، *الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶ ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت.
- بغدادی، علاءالدین علی بن محمد، ۱۴۱۵ ق، *لباب التاویل فی معانی التنزیل*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- بلاغی نجفی، محمدجواد، ۱۴۲۰ ق، *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، تهران، بنیاد بعثت.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ ق، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حائری تهرانی، میر سید علی، ۱۳۷۷، *مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- حجازی، محمد محمود، ۱۴۱۳ ق، *التفسیر الواضح*، بیروت، دار الجیل جدید، ج ۱۰.
- حسینی جرجانی، سید امیرابوالفتوح، ۱۴۰۴ ق، *آیات الأحکام*، تهران، نوید.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، ۱۳۶۳، *تفسیر اثنا عشری*، تهران، میقات.
- حسینی شیرازی، سید محمد، ۱۴۲۳ ق، *تبیین القرآن*، بیروت، دار العلوم، ج ۲.
- حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، ۱۴۱۴، *تذکرة الفقهاء*، قم، آل البيت علیهم السلام.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان، ج ۴.
- خانی، رضا و حشمت الله ریاضی، ۱۳۷۲، *ترجمه بیان السعادة فی مقامات العبادة*، تهران، دانشگاه پیام نور.

- ۱۶۳ □ بررسی تطبیقی آیه شریفه نفی سبیل در تفاسیر فریقین
- دخیل، علی بن محمد علی، ۱۴۲۲ ق، *الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز*، بیروت، دار التعارف.
- دروزه، محمد عزت، ۱۳۸۳، *التفسیر الحدیث*، قاهره، دار احیاء الکتب العربیة.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۳.
- راوندی، قطب‌الدین، ۱۴۰۵ ق، *آیات الأحکام*، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، چ ۲.
- زحیلی، وهبة بن مصطفی، ۱۴۱۸ ق، *التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج*، بیروت و دمشق، دار الفکر المعاصر، چ ۲.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، ۱۴۱۹ ق، *ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن*، بیروت، دار التعارف.
- سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، بی تا، *بحر العلوم*، بیروت، دار الفکر.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۴ ق، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی.
- شیر، سید عبدالله، ۱۴۰۷ ق، *الجواهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین*، کویت، مکتبة الألفین.
- شرف‌الدین، جعفر، ۱۴۲۰ ق، *الموسوعة القرآنیة، خصائص السور*، بیروت، دار التقرب بین المذاهب الاسلامیة، چ ۱.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی، ۱۳۷۳، *تفسیر شریف لاهیجی*، تهران، دفتر نشر داد.
- شوکانی، محمد بن علی، ۱۴۱۴ ق، *فتح القدر*، دمشق و بیروت، دار ابن کثیر و دار الکلم الطیب.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۱۹ ق، *البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم، مؤلف.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- _____، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۰، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، ترجمه جمعی از مترجمان، تهران، فراهانی.
- _____، ۱۳۷۲، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو، چ ۳.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
- طنطاوی، سید محمد، بی تا، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، قاهره، نهضت مصر.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۷ ق، *الخلاص*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- _____، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات اسلام، چ ۲.

- ۱۶۴ □ فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، س هشتم، پاییز ۹۶، ش ۳۱
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، ۱۴۱۳ ق، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية.
- فاضل مقداد، جمال الدین مقداد بن عبدالله، ۱۴۱۹ ق، كنز العرفان في فقه القرآن، قم، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۱۵ ق، تفسیر الصافی، تهران، صدر، چ ۲.
- _____، ۱۴۱۸ ق، الأصفی فی تفسیر القرآن، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۷، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، چ ۳.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، ۱۳۶۸، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قنوجی، سید محمد صدیق، بی تا، نیل المرام من تفسیر آیات الاحکام، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- کاشانی، فتح الله، ۱۴۲۳ ق، زیادة التفاسیر، قم، بنیاد معارف اسلامی.
- کاشانی، محمد بن مرتضی، ۱۴۱۰ ق، تفسیر المعین، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- کاظمی، جواد بن سعید، ۱۳۶۵، مسالك الأفهام إلى آیات الأحكام، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- کرکی (محقق ثانی)، علی بن حسین، ۱۴۱۴ ق، جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چ ۲.
- کرمی حویزی، محمد، ۱۴۰۲ ق، التفسیر لکتاب الله المنیر، قم، چاپخانه علمیه.
- کوفی، محمد بن محمد اشعث، بی تا، الجعفریات (الأشعثیات)، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه.
- لاری، سید عبدالحسین، ۱۴۱۸ ق، التعلیقة علی المکاسب، قم، مؤسسه المعارف الإسلامية.
- مراغی، احمد بن مصطفی، بی تا، تفسیر المراغی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مراغی، سید میر عبدالفتاح، ۱۴۱۷ ق، العناوین الفقهیة، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- مغنیه، محمد جواد، بی تا، التفسیر المبین، تهران، بنیاد بعثت.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، بی تا، زیادة البیان فی أحكام القرآن، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۱ ق، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیهم السلام.
- ملاحویش آل غازی، عبدالقادر، ۱۳۸۲، بیان المعانی، دمشق، مطبعة الترقی.
- موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، ۱۴۰۹ ق، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه اهل بیت علیهم السلام.
- نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۴ ق، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۷.
- نسفی، نجم الدین محمد، ۱۳۶۷، تفسیر نسفی، تهران، سروش، چ ۳.